

در لغت: اندازه - چیزی را به اندازه معنی ساختن  
 اندازه و معیاس وجود، نقشه، ساختار، سوخت، آتش، و غیره  
 کیفیت، روابط، تاثیرگذاری و نظام مندی) \*\*\*

حکمت و علم  
 تقدیر

(شمس و قمر - بل و نهار - صبح - شب - روز و لای - قدر - بقدر)  
 اعضای بدن - کار - عفو - و غیره مقل - و غیره اختیار - حضور

اراده الهی

اراده - علم و زبان، خلق کردن، ایجاد کردن، اجرا و بساز کردن، محض  
 حتمیت، خستیدن، پایان دادن، فعل) \*\*\*

تقدیر

اراده، سواد، امر، قضی، کن، فاعل  
 در لغت: اندازه - پایان دادن

قدرت پرواز

درس پنجم

در درس های پیشین دانستیم که تنها خالق، مالک، رب و مدبر جهان خداست و هیچ یک از مخلوقات در اداره جهان با او شریک نیستند. همه موجودات، تحت اراده و تدبیر خداوند قرار دارند و به اذن او عمل می کنند.

در این درس، به باری خداوند، به بررسی و پاسخ این سؤال خواهیم پرداخت که: با توجه به اینکه همه رخدادهای جهان، تحت اراده خداوند است، نقش اختیار انسان در این نظام جهانی چیست؟ آیا این نظام که با علم و اراده الهی اداره می شود مانع اختیار انسان است یا بستری مناسب

برای آن؟  
 \* عین اندازه و ویرگی و نقشه بدیده ها به یک تقدیر الهی است که با حکمت الهی صورت  
 \* هر حقوق ویرگی و نقشه بدیده ها به یک قضای الهی است که با اراده الهی صورت می گیرد

از شما به سبب حرکت دست که بر اثر بازی لوزش دارد با حرکت دست خود شخص برای غذا خوردن  
 و یا خوردن می آورد. اختیار و جدانی و مشهود

میان حرکات قلب یک فرد برای گردش خون و حرکات پای وی به هنگام قدم زدن، تفاوت اساسی وجود دارد. همچنان که تفاوت است میان حرکات دستی که بر اثر بیماری لوزش دارد با حرکت دستی که خود شخص برای غذا خوردن بالا و پایین می آورد. ضریان قلب و حرکت دستی که لوزش دارد اختیاری نیست؛ ولی حرکات پای برای رفتن به سوی یک مقصد و حرکات دست در هنگام غذا خوردن اختیاری و تابع اراده انسان است.

اختیار، که به معنای توانایی بر انجام یک کار و پارترک آن است، یک حقیقت وجدانی است و هر انسانی آن را در خود می یابد و می بیند که شبانه روز در حال تصمیم گرفتن برای انجام یک کار پارترک آن است. حتی کسی که اختیار را در سخن یا بحث انکار می کند، در عمل از آن بهره می برد و آن را اثبات می کند. مولوی ابن حقیقت را در قالب یک مثال این گونه یادآوری می کند:

آن یکی بر رفت بالای درخت می فشاند او میوه را دزدانه سخت  
 صاحب باغ آمد و گفت ای دنی از خدا شرمت، بگو چه می کنی؟  
 گفت: از باغ خدا بنده خدا چوب می خورد خرما که حق گردش عطا  
 پس بیستش سخت آن دم بر درخت می زدش بر پشت و بهلو چوب سخت  
 گفت: آخر از خدا شرمی بدار می گشسی این بی گنه را زار زار  
 گفت: کز چوب خدا این بنده اش اعتقاد می زند بر پشت دیگر بنده اش



چوب حق و پشت و بهلو، آن او من غلام و آلت فرمان او آیا چه امور از دست در اختیار ما  
توجه بیا که اختیار، حقیقتی وجدانی و مشهود

البته باید توجه داشته باشیم که بسیاری از امور اختیاری نیست و ما در وقوع آنها نقشی نداریم. به عنوان مثال، هیچ یک از ما در عملکرد دستگاه های مختلف بدن خود، مانند دستگاه گوارش و یا گردش خون، و همچنین در قوانین حاکم بر طبیعت مانند قانون جاذبه زمین، توالی فصل ها و... نقشی نداریم و این امور خارج از اختیار ما و به صورت طبیعی انجام می شود. در عین حال، باید توجه داشت که همین اختیار محدودی که داریم، مبنای تصمیم گیری های ما و تعیین کننده عاقبت و سرنوشت ما است.

مبنای تصمیم گیری های ما در عین حال، کتابت عاقبت و سرنوشت ما است.  
 ۱- حقایق وجدانی، اموری هستند که به قدری آشکار و بدیهی می باشند که هر کس بدون نیاز به هیچ دلیل و واسطه ای در درون خود به آنها علم دارد.

۲- مستوی معنوی، مولوی، دفتر پنجم.

همه ما با وجود روشن بودن اختیار و بی نیازی آن از استدلال، شواهدی بر وجود آن را می بینیم

می بایم که عبارت انداز: چرا خداوند را بر اختیار وجود دارد؟

۱- تفکر و تصمیم: هر کدام از ما همواره تصمیم هایی می گیریم و برای این تصمیم ها ابتدا تفکر می کنیم و جواب آن را می سنجیم و سپس دست به عمل می زنیم. گاهی نیز دچار تردید می شویم. میان چندین راه و چندین کار (کدام یک) را انتخاب کنیم. دست آخر، پس از بررسی های لازم برگزیده و عمل می کنیم.

*پیام کلی: تفکر و عمل به نفع است. خود دلیل اختیار است.*

این که فردا این کم یا آن کم  
۲- احساس رضایت یا پشیمانی: هر گاه در کاری موفق شویم، احساس رضایت و خرسندی وجودمان را فرا می گیرد. این احساس رضایت نشانه آن است که آن کار را از خود و نتیجه آن و تصمیم عاقلانه خود می دانیم. گاه نیز در کاری مرتکب اشتباه می شویم و به خود یا دیگری می رسانیم. در این هنگام احساس ندامت و پشیمانی می کنیم و با خود می گوئیم ای کاش آن کار انجام نمی دادم. این احساس ندامت نشانگر آن است که من توان ترک آن کار را داشته ام.

*پیام کلی: احساس رضایت یا پشیمانی انسان را برود را اختیار است.*  
گر نبودی اختیار این شرم چیست؟  
این دریغ و خجلت و آزر چیست؟

وان پشیمانی که خوردی زان بدی  
زا اختیار خویش گشتی مهتدی

۳- مسئولیت پذیری: هر کدام از ما خودمان را مسئول کارهای خود می دانیم. به همین جهت از عواقب عمل خود را می پذیریم و اگر به کسی زیان رسانده ایم، آن را جبران می کنیم. عهدها و پیمان نیز بر همین اساس استوارند. بنابراین، اگر کسی پیمان شکنی کند و مسئولیتش را انجام ندهد خود زندگی

مستحق مجازات می داند.  
*پیام کلی: انسان برخلاف دیگر موجودات مسئولیت پذیر است و این امرش برای برود*

هیچ گویی سنگ را فردا بیا  
هیچ عاقل مر کلوخی را زند؟  
*اختیار او است.*  
ور نیایی من دهم بد را سزا؟  
هیچ با سنگی عتابی کس کند؟

خدای متعال، متناسب با همین قوه اختیار، بشر را راهنمایی کرده و او را مختار گذاشته است که راهنمایی خداوند استفاده کند و سپاسگزار باشد، یا ناسپاسی کند و از هدایت و لطف الهی بهره نبرد.

۱- مثنوی معنوی، مولوی، دفتر پنجم.  
۲- همان.  
۳- همان.

مسیر شقاوت را ببیناید:

قدرت انتخاب و اختیار در آن

إِنَّا هَدَيْنَا السَّبِيلَ إِنَّا سَاكِرًا وَإِنَّا كَفُورًا (قدرت بر حق با حق خداوند است)

تفسیر در قرآن (۱)

پس از ترجمه آیات زیر در آن تأمل کنید و توضیح دهید چگونه محتوای این آیات می تواند نشانی از وجود اختیار در انسان باشد؟

قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِّن رَّبِّكُمْ

لَعَلَّكُمْ أَبْصَرْتُمْ لِنَفْسِكُمْ

وَمَن غَيَّبَ فَعَلَيْهَا...

ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيكُمْ

وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ

بهر این است که دلایل روشن از جانب پروردگاران بر روی ما  
این روشن گریها است که به پرورد خود او  
و هر کس که در دل میبرد به پیمان خود اوست...

پیام کلیدی قدرت انتخاب و اختیار در آن

(در بهره مندی از حرمت الهی در این دنیا به خود و دیگران)

این که عقوبت است و به خاطر کردار نیک است

آوردن به خاطر آن است که خود و دیگران را

سندگاران بسم نه کنند

پیام کلیدی قدرت انتخاب و اختیار در انسان (با آرزوی عمل از اراده و نگاهانه خود)

### زمینه ساز شکوفایی اختیار علت وجود اختیار در آن چیست؟

خداوند، قدرت اختیار و اراده را به ما عطا کرده و از ما خواسته است با استفاده از آن، برای زندگی خود برنامه ریزی کنیم و به قله های کمال برسیم و تا آنجا پیش برویم که جز خداوند عظمت آن نمی داند.

البته، ما در یک دنیای خیالی زندگی نمی کنیم، بلکه در جهانی زندگی می کنیم که خداوند امور آن

تدبیر می کند و قوانین مشخصی را بر آن حاکم کرده و جهان هستی مطابق با آن قوانین عمل می کند

به پیش می رود. اکنون جای این پرسش هست که آیا مشیت خداوند و قوانین حاکم بر هستی مانع

تعیار انسان است، یا برعکس، زمینه ساز شکوفایی اختیار و بستری برای بهره مندی از آن است؟ پاسخ به

آیه آیه ۲ به رحمت و وجود اختیار در آن است و علت یاد آوری و تکرار

انسانها به واسطه اعمال آزادانه و نگاهانه آنهاست.

جواب تدریس

۱- سوره انسان، آیه ۲

۲- همان: دلایل روشن

۳- سوره انعام، آیه ۱۰۴

۴- سوره آل عمران، آیه ۱۸۲

۱) در آیه ۱ خداوند از سبزه راههای خود را نشان می دهد تا شما را

انسان در انداخته راه بد و خوب بعد از شنیدن رهنمودهای خداوند و نتایج

با خورش است.

# اعتماد به خدای حکیم در اعمال اختیاری انسان دارد

این سوال را در دو بخش توضیح می دهیم:

الف - اعتقاد به خدای حکیم، که با حکمت خود جهان را خلق کرده و اداره می کند، این اطمینان است که به انسان می دهد که نعمه و قانع و رخدادهای جهان، نجات یک برنامه سازمان دهی شده و غایت استفاده می گیرد و نه اتفاقی و بی هدف. کسی که معتقد به حاکمیت چنین خدایی است، هر چند خود را الهی برآشناخت علت بسیاری از حوادث و رخدادهای جهان عاجز است، اما مطمئن است که هر قدر هدف معین و مشخصی دارد و از سر تصادف، غفلت یا ندانم کاری رخ نمی دهد.

ب - قطره ای کز جویباری می رود از بی انجام کاری می رود  
همچنین اعتقاد به خدای حکیم، این اطمینان را به آدمی می دهد که جهان خلقت حافظ و نگار زمانه ایجاد دارد که در کار او اشتباه نیست. به عبارت دیگر، کشتی جهان ناخدایی دارد که به موجب علم ناخدا، هیچ گاه غرق و نابود نخواهد شد. قرآن کریم در این باره می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ يُمِصُّ  
السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ  
أَنْ تَزُولَا  
وَلَئِنْ زَالَتَا  
إِنْ أَمْسَكْتُمَا

جهان خدایندنگر می نگرد  
آسمان جواهر زمین را  
از اینکه نابود شوند؛  
و اگر بخواهند نابود شوند،  
کسی نمی تواند آنها را حفظ کند.

مِنَ أَخْبَدٍ مِّنْ بَعْدِهِ... مگر خود خداوند.  
حفاظت و نگه داشتن خدایند از جهان آفرینش به عنوان نتیجه ایمان و اعتماد به او  
این بینش و نگرش به انسان اطمینان خاطر می دهد که می تواند در این جهان از قدرت اختیار بهره ببرد و برای ساختن امروز و فردای خود و جامعه تلاش کند و ثمرات تلاش خود را مشاهده نماید.

## ۴۰ قانون مند بودن جهان

۲- در نتیجه اعتقاد فوق، انسان خداشناس می داند که فقط با زندگی در یک جهان قانونمند پشتوانه آن علم و قدرت خداست، وی امکان حرکت و فعالیت دارد، زیرا با زندگی در چنین

- ۱- برون اعتصامی، دیوان اشعار.
- ۲- سوره فاطر، آیه ۲۱.

سؤالات جهان از جهت قدرت الهی است  
کلمه برادر و حقیقت بخشیدن معنا و مفهوم برادران است  
سؤال =

است که او می تواند قوانین حاکم بر جهان هستی و خلقت را بشناسد و برای رفع نیازهای خود از آنها استفاده کند و به هدفهای خود برسد. به عبارت دیگر، او در جهانی زندگی می کند که قدر و قضای الهی بر آن حاکم است. معنای تقوی قدر و قضای الهی

قدر و قضای الهی اکنون لازم است این دو اصطلاح فرآینی را بیشتر بشناسیم و در معنا و مفهوم آنها عمیق تر تأمل کنیم. «قدر» و «قدر» به معنای «اندازه» و «تقدیر» به معنای «اندازه گرفتن» است. «قضای الهی» نیز به معنای «به انجام رساندن»، «پایان دادن»، «حکم کردن» و «حتمیت بخشیدن» است.

مخلوقات جهان از آن جهت که خدای متعال با علم خود، اندازه، حدود، ویژگی، موقعیت مکانی و زمانی آنها را تعیین می کند، مقدر به تقدیر الهی هستند و از آن جهت که با فرمان و حکم و اراده الهی ایجاد می شوند، به قضای الهی وابسته اند. پس اینکه می گوئیم قدر و قضای الهی بر جهان حاکم است، منظور چیست؟

به این معناست که نقشه جهان با همه موجودات و ریزه کاری ها و ویژگی ها و قانون هایش از آن خدا و قدرت از علم خداست و اجرا و پیاده کردن آن نیز به اراده خداست. به همین دلیل، نه در نقشه جهان نقصی هست و نه در اجرا و پیاده کردن آن. (تسبیح)

اگر وضع جهان غیر از این می بود، یعنی تحت نظام قدر و قضای الهی قرار نداشت، آیا می توانستیم با همین اطمینان خاطری که اکنون داریم، دست به انتخاب زده و در این جهان کار و فعالیت کنیم؟ آیا علمی همچون فیزیک، شیمی، زیست شناسی و... می توانستند معنا پیدا کنند؟

آبی که برای رفع تشنگی می نوشیم، به سبب اعتماد به همین تقدیر و قضاست. یعنی می دانیم که خداوند آب را با این ویژگی ها و اندازه ها آفریده که سبب رفع تشنگی می شود. اما اگر کسی این تقدیرها را نبیند و نظم فعلی جهان را یک اتفاق از میان میلیاردها اتفاق ممکن دیگر تلقی کند، اگر واقعاً بخواهد همین تلقی را مبنای عمل خود در زندگی قرار دهد، چه خواهد کرد؟ نسبت به فردای جهان چه تصویری خواهد داشت؟ آیا داشتن اراده و اختیار در چنین جهانی را خواهد پذیرفت؟ اصولاً این فرد با چه روحیه ای زندگی را سپری خواهد نمود؟

### تقاضای الهی چه چیزی است که دارد به اراده خرابونیز

تفکر

درباره سؤال های بالا بیندیشید و نظر خود را درباره هر یک از آنها ارائه دهید.

سؤال = با همه جوان به یک جهان به احوال تقدیر و قضای الهی را درک  
سرخس کنید. صفت قدر و قضای الهی



سوال: مقاصد تقدیر و قضا از کدام یک از صفات خداوند است؟  
تقدیر (علم و قدرت) / قضا (علم و اراده) / بر داشت (علم و اراده) / صحیح از قضا و قدر

بنابراین، حرکت و تغییر مکان و تصمیم گیری بر اساس دستور عقل بی فایده است اما امیر المؤمنین علیه السلام با رفتار و سپس گفتار خود، نگرش صحیح خود از قضا و قدر را نشان داد و به آن شخص و دیگران آموخت که اعتقاد به قضا و قدر، نه تنها مانع تحرک و عمل انسان نیست، بلکه عامل و زمینه ساز آن است. در واقع (فرد ریختن دیوار گچ یک فضای الهی است)، اما این قضا متناسب با ویژگی و تقدیر خاص آن دیوار، یعنی گچی آن است. اما اگر دیوار، ویژگی دیگری داشته باشد، مثلاً محکم باشد، فضای دیگری را به دنبال خواهد آورد و انسانی که این دو تقدیر و این دو قضا را بشناسد تصمیم می گیرد دست به انتخاب مناسب تر می زند. **معموم جمله از قضای الهی بقدر ان نیاز می برم**  
حال جهانی را در نظر بگیرید که هیچ گونه تقدیر و اندازه ای بر پدیده های آن حاکم نباشد؛ آیا در چنین جهانی جایی برای اراده و اختیار انسان وجود دارد؟ و آیا اصلاً چنین جهانی معنا دارد و می تواند واقعیت خارجی پیدا کند؟

### اختیار انسان، یک تقدیر الهی

وقتی از تقدیر جهان به وسیله خداوند سخن می گوئیم، منظورمان فقط تعیین طول، عرض، حجم مکان و زمان یک موجود نیست. اینها ساده ترین و آشکارترین تقدیرها هستند. تقدیر الهی شامل همه ویژگی ها، کیفیت ها و کلیه روابط میان موجودات می شود. اینکه آب در چه درجه ای به جوش آید، تعداد الکترون های هر عنصر چه تعداد باشد، ماه در کدام مدار دور زمین گردش کند، بدن انسان از چه اعضای تشکیل شود، هر عضوی کدام کار را انجام دهد، همه و همه از تقدیرات الهی است. یکی از تقدیرات الهی برای انسان این است که او دارای اختیار باشد؛ یعنی همان طور که مثلاً به آب، ویژگی مایع بودن را داده است، به انسان نیز ویژگی مختار بودن را عطا کرده است.

به تعبیر دیگر، خداوند این گونه تعیین کرده که انسان کارهایش را «با اختیار انجام دهد» و کسی نمی تواند از اختیار، که ویژگی ذاتی اوست، فرار کند؛ حتی اگر بخواهد فرار کند، باز هم این یک کار اختیاری بوده، چون همین کار را با خواست و اراده خود انجام داده است.

### حدود اختیار انسان

توجه کنیم که ما در چارچوب قوانین حاکم بر هستی حق انتخاب داریم (مثلاً آسمان و دریا در هر شرایطی رام و مسخر انسان نمی شود) فقط در صورتی رام و مسخر انسان می شوند که آدمی ویژگی ها و قانونمندی های آنها را بشناسد و متناسب با آن ویژگی ها، ابزارهایی مانند هواپیما و کشتی تهیه کند تا تواند در آسمان ها و دریاها سیر نماید.

ساده ترین و آشکارترین تقدیرها کدام است؟  
مختار بودن را داده است، به انسان نیز ویژگی مختار بودن را عطا کرده است.  
مختار بودن را داده است، به انسان نیز ویژگی مختار بودن را عطا کرده است.  
مختار بودن را داده است، به انسان نیز ویژگی مختار بودن را عطا کرده است.

کدام برداشت نادرست از قضا و قدر الهی در درس از راه عملی است، قابل مشاهده است  
باسم (ع) علی (ع) می بود توضیح (صدید) بالای صفحه



توجه: این دعا برای تندرستی و مفید قضا و قدر است  
 (تمام شود از خداوند) یا هر قدری که میسر شود

تذکره در قرآن (۲)

پس از ترجمه آیه زیر، در آن تدبیر کنید و به سوال های زیر پاسخ دهید:  
 (اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمْ الْبَحْرَ لِتَجْرِيَ الْفُلُكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ وَ لِيَتَّبِعُوا مِنْ فَضْلِهِ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ)  
 خدا کسی است که دریاها را برای شما سبک کرد تا در آنها کشتی ها را حرکت دهید و تا شما از فضل او متذکر شوید.

- ۱- مقصود از رام و سخر بودن آسمان ها و دریاها چیست؟
- ۲- چرا کنشی ها می توانند در دریاها حرکت کنند؟
- ۳- چرا انسان می تواند با اختیار خود به جستجو در دریا بپردازد؟

پس (تقدیرات و قانونمندی ها هم لازمه کار اختیاری انسان و هم جهت دهنده و محدود کننده است. برخی از افراد به همین نکته بسیار روشن توجه نمی کنند و بدون درک قوانین جهان رسیدن به خوشبختی، راه دلخواه خود را دنبال می کنند و برای خود بدبختی را رقم می زنند.  
 تاریخ علم نشان می دهد که همین نظام قانونمند، به انسان امکان داده است تا از فکر و اختیار بهره ببرد و دروازه های علم را بگشاید، بهینه دریاها را بشکافد، اعماق اقیانوس ها را بجوید و نوک کوهستان ها را در نوردد و ابزارهای گوناگونی برای زندگی خود بسازد.  
 به راستی که خداوند با چه زیبایی رابطه میان قدرت اختیار انسان و نظام جهان را سامان داده، به گونه ای که نه تنها این نظام سز راه او نشود، بلکه زمینه ساز عروج و صعود وی به سوی قله های کمال گردد.

تذکره در قرآن (۳)

۱- با توجه به آیه شریفه  
 إنا كل شيء خلقناه بقدر  
 بگوئید چه تقدیراتی در موارد زیر به کار رفته است؟ به هم خوردن این تقدیرات چه عواقبی دنبال دارد؟  
 (توصیر در حالت)

الف) جوانه زدن یک گیاه تا تبدیل شدن آن به گل

- ۱- سوره جاثیه، آیه ۱۲
  - ۲- سوره قمر، آیه ۲۹
- پایه اصلی آفرینش انسان براساس ویرسهای معین صورت می آید  
 یا هر قدری که میسر شود (تقدیر میکنیم که)

توجه: انسان می تواند با اختیار خود به جستجو در دریا بپردازد؟  
 یا هر قدری که میسر شود

الف - تدبیرات و دستورها خردگانه (تلاک و مسائل ساده) و هم تدبیرات عظیم (دما - نور - آب و ...)

ب - بی‌تأمل و بی‌توان نباشد که اگر کسی در تدبیرات و مسائل ساده از سن می‌پزد (با نیش خورشید به اندازه‌ای که زمین و ساکنان زمین از آن بهره ببرند)

ج - برنامه‌ریزی یک دانش آموز سال دوازدهم برای قبولی در رشته مورد نظر

د - اگر دانش آموزی بخواهد بر اساس آیه فوق برای قبولی در رشته مورد نظر برنامه‌ریزی کند، به چه تدبیراتی در وجود خود و پیرامون خود باید توجه کند؟

ح - ۱ - توصیف استعداد و توانایی و مزاج دانش آموز ۲ - ویژگی‌های شخصی (مثلاً آمارکس شش‌زمن برای یادگیری در ۶ ماه و ۶ روز در ۶ ماه)

رابطه اختیار انسان با اراده خداوند

در اینجا ما با یک مسئله دیگر روبه‌رو می‌شویم (آن مسئله این است که: چگونه می‌توان هم به فضا و اراده الهی اعتقاد داشت و گفت همه کارها با اراده خداوند انجام می‌شود و هم انسان را موجودی مختار دانست که کارهایش را با اراده خودش انجام می‌دهد؟)

برای پاسخ به این پرسش لازم است ابتدا یا علت‌هایی که در پدایش یک پدیده دخالت دارند، بیشتر آشنا شویم. این علل، بر دو دسته‌اند: **علل عرضی** و **علل عینی** در پدیده‌ها دیده می‌شود. در این پدیده‌ها دو نوع علت داریم: **علل عینی** و **علل عرضی**.

۱- **علل عرضی** در پدایش هر پدیده ممکن است چند عامل به صورت مجموعه و با همکاری یکدیگر مشارکت کنند. مثلاً برای رویش یک گل، مجموعه‌ای از باغبان، خاک، آب، نور و حرارت دست به دست هم می‌دهند و با مشارکت یکدیگر گل را پدید می‌آورند. با مثلاً وقتی دو نفر دسته‌های یک گلدان بزرگ را می‌گیرند و جابه‌جا می‌کنند، هر کدام از این دو نفر نیروی خاصی را وارد می‌کند که باعث جابه‌جایی گلدان می‌شود. در هر دو مثال، هر یک از این عوامل و عناصر اثر خاصی را، مستقل از دیگری، اعمال می‌کند تا گل بروید یا گلدان جابه‌جا شود. این گونه علل را «علل عرضی» می‌گویند. در علل عرضی، هر عامل به طور مستقیم نقش خاصی را برعهده دارد که با نقش دیگری متفاوت است. را نویسنده کنید



۲- **علل طولی**: گاهی تأثیر چند عامل در پدایش یک پدیده این گونه است که یک عامل در عامل دوم اثر می‌گذارد و عامل دوم در عامل سوم تأثیر می‌کند تا اثر عامل اول را به معلول منتقل کند. برای مثال، وقتی شما قلم به دست می‌گیرید و نامه می‌نویسید، چند عامل، در طول هم، در انجام این کار دخالت دارند:

اول، قلم که با حرکت خود روی صفحه جملات را می‌نگارد؛  
دوم، دست شما که قلم را به حرکت درمی‌آورد؛

در علل عرضی توجه => معلول را نمی‌توان بر کسی از علل به تنهایی منت نسبت داد

تأثیر عوامل در هم

توجه: این دو آیه بیانگر حد و مقوم قضا و قدر است  
انجام شود امر خداوند است یا امر قضای الهی

تدبیر در قرآن (۲)

پس از ترجمه آیه زیر، در آن تدبیر کنید و به سؤال های زیر پاسخ دهید:  
**اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمْ الْبَحْرَ لِتَجْرِيَ الْفُلُكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلِعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ**  
خداوند است که دریا را برای شما برآورد تا در آن کشتی ها برانند. پس فریاد کنید. او حرکت کند.

- ۱- مقصود از رام و مسخر بودن آسمان ها و دریاها چیست؟  
..... حکمت، قانون، قوانین، مبتد بر بودن آنها، استخفاف این قوانین می توانیم آنها را
- ۲- چرا کشتی ها می توانند در دریاها حرکت کنند؟  
..... چون قانون، قانون الهی، حکیم است و بر این اساس قوانین ثابت است. انسان و سایر حیوانات
- ۳- چرا انسان می تواند با اختیار خود به جستجو در دریا بپردازد؟  
..... زیرا که می تواند از قانون الهی، راه رفتن کند و امکان است. به جستجو می پردازد.

تدبیر در قرآن (۲)  
انسان می کند؟  
قضا و قدر الهی چیست؟

پس **تقدیرات** و **قانونمندی** ها هم **لازمه** کار اختیاری انسان و هم جهت دهنده و محدود کننده است.

برخی از افراد به همین نکته بسیار روشن توجه نمی کنند و بدون درک قوانین جهان، برای رسیدن به خوشبختی، راه دلخواه خود را دنبال می کنند و برای خود بدبختی را رقم می زنند.  
**تاریخ علم نشان می دهد که همین نظام قانونمند، به انسان امکان داده است تا از فکر و اختیار خود بهره ببرد و دروازه های علم را بگشاید. بهنه دریاها را بشکافد، اعماق اقیانوس ها را بجوید و فضا کاشکان ها را درنوردد و ابزارهای گوناگونی برای زندگی خود بسازد.**  
به راستی که خداوند با چه زیبایی رابطه میان قدرت اختیاری انسان و نظام جهان را سامان داده، به گونه ای که نه تنها این نظام سدا راه او نشود، بلکه زمینه ساز عروج و صعود وی به سوی قله های کمال گردد.

تدبیر در قرآن (۳)

۱- با توجه به آیه شریفه  
**إِنَّا كُلُّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدْرٍ**؛ ما هر چیزی را بر اندازه آن می خوریم.....

بگویند چه تقدیراتی در موارد زیر به کار رفته است؟ به هم خوردن این تقدیرات چه عواقبی به دنبال دارد؟  
**توصیر در خالقیت**

الف) جوانه زدن یک گیاه تا تبدیل شدن آن به گل

- ۱- سوره جاثیه، آیه ۱۲. **بِأَمْرِ الْمَلِكِ فَأَنْزَلْنَا مِنْهَا نِجْمًا كَالْفِجَارِ**
- ۲- سوره قمر، آیه ۴۹. **بِأَمْرِ رَبِّهِ فَفُجِّرْنَا**

بِأَمْرِ رَبِّهِ فَفُجِّرْنَا: قضای الهی بر این است (تقدیر کننده قضا)

حضرت علی (ع) اعتماد بر قضا و قدر را خود برای آن تبیین کرد؟

پس از جنگ صفین و در راه بازگشت از جنگ، مردی از امام علی (ع) سؤال کرد، آیا رفتن به جنگ بنا بر قضا و قدر الهی بود؟

آن حضرت پاسخ داد: «آری، از هیچ تبه‌ای بالا نرفتم و در هیچ وادی سرازیر نگشتم، مگر به قضا و قدر الهی.»

آن مرد پرسید: «پس رنج‌های ما در این سفر آیا به حساب خدا گذاشته خواهد شد و نباید انتظار پاداشی داشته باشیم؟» (این همان برداشت نادرست از قضا و قدر است که امروزه نیز گاه مشاهده می‌شود.)

امام (ع) فرمود: «خداوند به شما (سه) اجر بزرگ عنایت فرموده، اجر رفتن به جنگ، (دو) با اراده خود رفتن؛ اجر حضور در جبهه، (دو) به اراده خویش در آنجا حضور داشتید؛ اجر بازگشت از نبرد، (دو) به اراده خود بازگشتید و در هیچ یک از این مراحل مجبور نبودید.»

سپس امام، به برداشت ناصحیحی که در ذهن آن مرد بود، اشاره کرد و فرمود: «شاید از اینکه گفتم رفتن بنا بر قضا و قدر الهی بود، گمان کردی قضا و قدر، جبری و حتمی بود؟ اگر اعمال مردم بر این گونه بود، پاداش و مجازات، بیهوده و باطل می‌شد.»

نقش اختیار انسان و قضا و قدر الهی

پاسخ به یک پرسش: آیا اراده ما اختیار است یا آنکه اختیار خداوند است؟

ممکن است برای شما این سؤال پیش آید که «اگر خدا از قبل سرنوشت و آینده مرا می‌داند، تلاش و اراده من دیگر نمی‌تواند نقشی در آینده‌ام داشته باشد و اگر تلاشی بکنم، چون شکست من در علم خداوند آمده است، تلاشم به جایی نخواهد رسید، و اگر برعکس، علم خداوند بر موفقیت من باشد، باز هم نیازی به تلاش ندارم.»

چنین برداشتی از علم الهی، ناشی از قیاس کردن علم خدای متعال با علم انسان است و از لغزشگاه‌هایی است که قرآن کریم پیوسته در این باره هشدار می‌دهد.

کلید پاسخ به این سؤال در این نکته نهفته است که علم خداوند هم پایان و نتیجه امور و هم فرایند انجام حوادث را در بر می‌گیرد. در حالی که علم انسان‌ها چنین نیست. مثلاً یک کارشناس فوتبال که نتیجه یک مسابقه را پیش‌بینی می‌کند، یا معلمی که آینده یک دانش‌آموز را حدس می‌زند، هر یک بر اساس

فرق علم خداوند با علم انسان‌ها چیست؟ بازگردیم



اطلاعات محدودی که دارند، دست به این کار می زنند؛ اما آن معلم علم ندارد که این دانش آموز را بعد تا روز امتحان چه تصمیم هایی خواهد گرفت، آیا متحول خواهد شد یا به راه گذشته ادامه خواهد داد. (در حالی که علم خداوند این گونه نیست. او همان طور که پایان فرایند را می بیند بر تمام اتفاقات تصمیم گیری های طول فرایند هم شاهد و آگاه است. او می داند که مثلاً فردا آن دانش آموز به اختیار تصمیم می گیرد، ساعات مطالعه خود را افزایش دهد، تصمیم می گیرد از میزان خواب خود کم کند، ده ها تصمیم اختیاری دیگر. همچنین می بیند که این تصمیم ها در پایان، منجر به قبولی وی خواهد شد پس علم خداوند منحصر به نتیجه پایانی فرایند نیست، بلکه به سلسله تصمیم ها و عوامل دیگر مؤثر در فرایند نیز متعلق است.) (در حقیقت، علم خداوند، بر اساس علم به تمام عوامل و جزئیات است، نه پیش بینی صرف درباره نتیجه.)

توضیح:

(علم خداوند بر همه چیزها تسلط دارد و بر همه چیزها آگاهی دارد و در نظر او همه چیزها در یک لحظه زمانه در حالی که علم انسان فقط در مورد نتیجه و آن هم با حدس و گمان و تخمین است و در نظر او همه چیزها در یک لحظه زمانه در حالی که علم انسان فقط در مورد نتیجه و آن هم با حدس و گمان و تخمین است)